

پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۸ بهار ۱۳۹۹

No.38 Spring 2020

۳۱-۴۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴

تحلیل تاریخی تحولات ساختاری-هویت در کهن شهرهای ایرانی اسلامی (مطالعه موردی کهن شهر کاشمر)

➤ آزاده جلالی: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (azadeh.jalali@modares.ac.ir)

➤ سپیده افسری بجمستانی: کارشناسی ارشد، گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (Sepideh.afsari@modares.ac.ir)

➤ علی رضا صادقی: استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Abstract

The way of thinking about the world, and social, cultural and political conditions shaped the urban structure and identity of Iranian cities. The structure of cities has been incredibly changed throughout history, therefore, analysis of the spatial structure of the city and identification of identity elements is crucial. Torshiz (Kashmar), dating back to the 2000s with a history of Parthians' residence, was a city with vicissitude history, has consciously or unconsciously taken different physical forms. The purpose of this article is to investigate the structural and identity changes of Kashmar from the Zoroaster era to the present time, and identify the city elements important to the urban structure. This research has historical content based on descriptive-analytical and interpretive research method. The general approach is based on the analysis and study of the impact of historical events on the spatial structure and elements. The results identify the main and secondary structure of the city and emphasize the city center as an integral combination of master mosque, bazaar, seminary, caravanserai and commercially active edges, and it is proposed to preserve and redevelop them to promote identity in the new developments of Kashmar.

Keywords: City Structure, Identical Elements, Historical Changes, Ancient Iranian Islamic City, Kashmar City

چکیده

نحوه نگرش به جهان، اقتصاد، چگونگی تعامل با زیست‌بوم، مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ساختار شهری و هویتی شهرهای تاریخی ایرانی را رقم زده است. ساختار و استخوان‌بندی شهرها در بستر تاریخ و با تغییر دوره‌های حکومتی، تغییرات بسیاری پذیرا بوده است. بنابراین تحلیل و واکاوی ساختار و سازمان فضایی شهرها و شناسایی عناصر هویتی حائز اهمیت است. ترشیز (کاشمر) با قدمت ۲۰۰۰ ساله و با سابقه استقرار قوم پارت، شهری با تاریخ پرفراز و نشیب می‌باشد که در مسیر تداوم تاریخی، آگاهانه و ناآگاهانه، چهره کالبدی متفاوتی یافته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تحولات ساختاری و هویتی شهر کاشمر از دوران زرتشت تاکنون و همچنین شناسایی عناصر شاخص و فضاهای شهری مهم در ساختار شهری می‌باشد. این پژوهش به لحاظ محتوایی تاریخی با روش توصیفی-تحلیلی و تفسیری سامان یافته است. رویکرد کلی پژوهش مبنی بر تحلیل و بررسی تأثیرگذاری حوادث تاریخی بر ساختار فضایی و یادمان‌ها و عناصر به‌جای مانده از آن می‌باشد. نتیجه حاصل شناسایی ساختار اصلی و ثانویه شهر و با تأکید بر مرکز شهر کاشمر به‌عنوان مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از مسجد جامع، بازار، مدرسه علمیه، کاروانسرا و لبه‌های فعال تجاری است و حفظ و بازطراحی آن‌ها به‌منظور ارتقای هویت در توسعه‌های جدید شهر کاشمر پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: ساختار شهر، عناصر هویت‌بخش، تحولات تاریخی، کهن شهر ایرانی اسلامی، شهر کاشمر

مقدمه

شهر به مثابه تبلور آیین و اندیشه جامعه، در تمدن‌های مختلف شکل‌های منحصربه‌فردی یافته است. گوناگونی شهرها در تاریخ و جغرافیای جهان بیش از هر چیز معلول همین تفاوت در آیین‌ها و اندیشه‌هاست و این تفاوت‌ها خود را در ساختار و سازمان فضایی شهرها به خوبی نمایان ساخته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱). سازمان فضایی شبکه از عناصر مراکز شهری، محورهای مهم ارتباطی، محورهای مهم عملکردی و کاربری‌های عمده تشکیل می‌دهد. عناصر مهمی در شهرهای موجود هستند که تاریخ رشد کالبدی شهر را نشان می‌دهند، به عبارتی برخی از مهم‌ترین عناصر در شهرها در بستر تاریخ شکل گرفته است و دارای هویتی شاخص می‌باشد. ساختار و استخوان‌بندی شهرها در بستر تاریخ و با تغییر دوره‌های حکومتی، تغییرات بسیاری پذیرا بوده است. با این وجود تحلیل و واکاوی ساختار و سازمان فضایی شهرها و شناسایی عناصر هویتی حائز اهمیت است. شهر کاشمر یکی از کهن‌ترین شهرهای استان خراسان رضوی می‌باشد. اهمیت تاریخ کاشمر از حیث قدمت آن است که طبق منابع هسته قدیم شهر در دوران زرتشت برپا شده است. این شهر نزد زرتشتیان باستان شهر مقدس محسوب شده و آتشکده ساخته شده در آن یکی از سه آتشکده بزرگ زرتشتیان در دوران ساسانیان بوده است. همچنین چندین بار نام و جایگاهش در طول فراز و نشیب‌های تاریخ عوض شده است. با این حال آنچه محقق است هنوز از گوشه و کنار آثاری هرچند اندک می‌توان حکایت این شهرکهن را جستجو کرد. هدف مقاله بررسی تحولات ساختاری و هویتی شهر کاشمر در بستر تاریخ از دوران زرتشت تاکنون و همچنین شناسایی و تحلیل عناصر شاخص و مهم در ساختار بافت شهری می‌باشد تا بتوان ساختار اولیه و ثانویه مرکز شهر را شناسایی و آن را در توسعه‌های جدید شهر کاشمر حفظ و بازطراحی نمود. سؤالات اصلی پژوهش مبنی بر این است که شهر کاشمر در طول تاریخ چه تحولاتی به لحاظ شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی داشته است و تأثیر عوامل مختلف بر شکل و استخوان‌بندی شهر چگونه بوده است؟ ساختار اولیه و ثانویه

و عناصر و فضاهای شاخص هویتی در بافت تاریخی شهر کاشمر کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

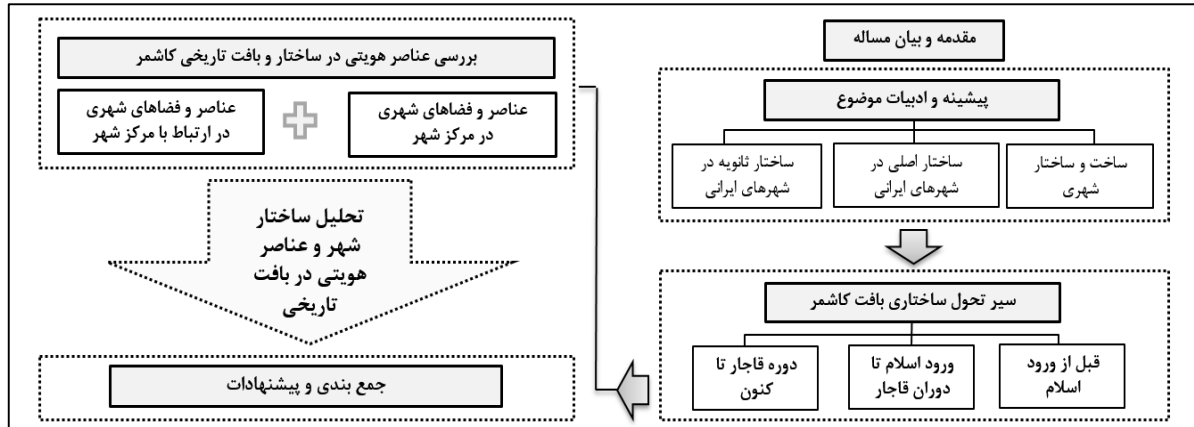
مورخان بسیاری، به ثبت تاریخ و بیان رویدادها و دوره‌های تاریخی پرداخته‌اند، اما تحلیل تاریخ نه تنها از نگاه صرف حوادث و رخداد‌های زمان، بلکه تأثیر آن‌ها بر کالبد شهر و توجه به مسائل شهرسازی مورد توجه شهرسازان قرار گرفته است. حبیبی در *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثیر)*، تاریخ را به سه دوره تقسیم و به بیان مفهوم شهرهای ایران و تغییرات کالبدی آن‌ها متأثر از جهان‌بینی، اقتصاد و اقلیم پرداخته است. از طرفی در آثار مورخان بسیاری هنگام ثبت تاریخ مربوط به استان خراسان و شمال شرق ایران قدیم، اطلاعات مربوط به ترشیز (کاشمر قدیم) یافت می‌شود. خسروی (۱۳۷۲) در *تاریخ کاشمر*، به بیان حوادث دوره‌های تاریخی در شهر کاشمر پرداخته است. افرادی دیگری مانند، حقیقت (۱۳۷۶)، سعیدیان (۱۳۷۹)، حسینی (۱۳۸۲)، افشارسیستانی (۱۳۸۷)، سعادت‌مند (۱۳۸۷) در آثار تاریخی خود، مطالعاتی نسبت به شهر کاشمر انجام داده‌اند. آلفونس گابریل در کتاب *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران و لسترنج در جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی و در نوشته‌های خود از ترشیز یاد کرده‌اند*. نوآوری پژوهش حاضر بررسی حوادث تاریخی از منظر شهرسازی و همچنین تجلی آن‌ها بر ساختار شهر کاشمر می‌باشد.

روش‌شناسی

این تحقیق به لحاظ محتوا نوعی پژوهش تاریخی می‌باشد که متکی بر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و تفسیری می‌باشد. رویکرد کلی پژوهش مبتنی بر تحلیل، بررسی و تأثیرگذاری حوادث تاریخی بر سازمان فضایی و استخوان‌بندی شهری کاشمر می‌باشد که اطلاعات لازم از بررسی اسناد تاریخی و تحقیق‌های صورت گرفته در ارتباط با تاریخ شهر و همچنین اطلاعات موجود در طرح‌های توسعه شهری کاشمر بهره گرفته شده است. به منظور تکمیل مطالعات و شناخت شهر از رویکرد پدیدارشناسی باهدف شناسایی پدیده‌ها و ادراک آن‌ها در موقعیتی خاص توسط ساکنین استفاده شد و از

بستر تاریخ بررسی و تحلیل می‌شود. سپس عناصر شاخص هویتی که از دوران کهن تاکنون باقیمانده و همچنین از دوران قاجار به بعد شکل گرفته است، شناسایی و منطبق با اصول شهرسازی تحلیل می‌شود. جمع‌بندی و نتیجه حاصل بیان ساختار اولیه و ثانویه مرکز شهر جهت حفظ و بازطراحی آن می‌باشد.

طریق مصاحبه و برداشت تصویر ذهنی ساکنین قدیمی در محله‌های تاریخی، عناصر شاخص در دوران پهلوی و پس از انقلاب اسلامی شناسایی شد. در این پژوهش ابتدا ادبیات موضوع در ارتباط با ساختار فضایی، عناصر تأثیرگذار در ساختار هویتی شهر بررسی می‌شود. سپس شهر کاشمر به‌عنوان نمونه موردی معرفی و سیر تحولات ساختاری در



تصویر ۱: فرایند پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

مبانی نظری

ساخت و ساختار شهری

در حوزه مباحث شهرسازی، مطالعات گسترده‌ای در حوزه ساخت و ساختار شهری، عناصر اصلی شکل‌دهنده آن، تأثیر آن بر استخوانبندی و هویت شهری انجام شده است. ساختار شهری از آن دسته مفاهیمی است که رویکردهای مختلف زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی، زبان‌شناختی بر شکل‌گیری معنایی آن دلالت داشته‌اند (اهری، ۱۳۹۵: ۶۴). به‌صورت کلی، ساختار به آن دسته از قواعدی اطلاق می‌شود که توجیه‌کننده روابط و موقعیت بین عناصر است. روابطی که برخلاف عناصر پایدار و ثابت بوده ولی در مجموع به کمک آن عناصر، تشکیل‌دهنده و حافظ یک کلیت واحد هستند (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۲). ساختار اصلی شهر نیز به‌مثابه یک فراسیستم چارچوبی منعطف برای شکل‌گیری انواع زیرسیستم‌ها در طول دوره‌های زمانی فراهم می‌آورد و به زیرسیستم‌های خود، اجزاء و عناصر اصلی شهر، شکل و سازمان می‌دهد (بزرگر، ۱۳۸۲: ۵۳). در واقع شهر به‌عنوان یک نظام کالبدی که پیکره‌ای مشخص و رشد‌یابنده دارد، دارای یک ساختار اصلی از ارکان و عناصر اساسی است که به تعبیر

شهرسازان ساختارگرا، این عناصر، اجزا دیرپای، تغییرناپذیر و شاخص ساخت اصلی شکل شهر هستند و استخوان‌بندی شهر را مشخص می‌کنند. چندی از محققان عناصر اصلی ساخت شهر را برشمرده‌اند. دیوید کرین عناصر ساختار اصلی شهر را شامل خیابان‌ها، بناهای عمومی و فضاهای باز و تسهیلات آن‌ها معرفی می‌کند. افرادی همچون دیوید کرین، بیوکانن و لنگ مفهوم ساختار اصلی شهر را مرتبط با عناصری که بنا به عملکردشان نقش اصلی در حیات شهری بر عهده دارند می‌دانند (اهری، ۱۳۹۵: ۲۶). از نظر اهری مسیرهای اصلی، فضاهای باز و بناهای عمومی و یادمانی تشکیل‌دهنده کلیت شهر هستند. به‌زعم دانشپور و روستا، مؤلفه‌های اصلی ساختار شهر شبکه‌های اصلی دسترسی، عناصر طبیعی شاخص در شهر و مراکز عمده فعالیت هستند. همگی این عناصر واجد هم‌پوشانی و اشتراکاتی است که باز نمود بخش‌های پایدار شهر بوده است و به گفته جان لنگ تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی از شهر هستند (اهری، ۱۳۹۴: ۲۴). در کنار ساختار اصلی شهر که کلیات و استخوان‌بندی شهر را نشان می‌دهد، ساختار ثانوی و یا ساختارهای فرعی نیز وجود دارد. از منظر تفکر ساختارگرایی، ساختار فرعی شهر به‌صورت ارگانیک توسط خود مردم ایجاد

می‌شود. این گروه معتقدند که معماران و شهرسازان، تنها بایست ساختار اصلی شهر را برنامه‌ریزی و طراحی کنند و در ساختار ثانویه و فرعی شهر تسهیل‌کننده توسعه باشند. بنابراین، با طراحی ساخت اصلی شهر، که در واقع استخوان‌بندی شهر است، می‌توان امیدوار بود که شکل شهر نیز با همان چارچوب توسعه یابد (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۵۳). همچنین باید متذکر شد توجه به ساخت و ساختار شهری و عناصر اصلی سازنده آن به‌خصوص در بافت‌های تاریخی امکان بازشناسی هویت شهری را فراهم می‌کند. شهرهای امروزی ما دچار بحران هویت هستند، زیرا در این شهرها بدون پیوند با گذشته تغییر شکل بنیادین اتفاق افتاده است و حال‌آنکه این گسست، باعث از دست رفتن قدرت و قابلیت تشخیص و تمایز گردیده است (دانشپور و روستا، ۱۳۹۴: ۲۲) بنابراین تقویت و احیا ساختار و عناصر بافت‌های تاریخی شهرها بخشی از هویت‌بخشی به زندگی شهری است.

بررسی ساخت و ساختار اصلی در شهرهای ایرانی اسلامی
در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران می‌توان، ساختار اصلی شهر و یا سازمان فضایی آن را به کمک عناصر اصلی و ارتباط مابین آن‌ها شناسایی کرد. سازمان فضایی شهر ایرانی قبل از ورود اسلام مرکب از مناطق جداگانه، «کهندژ»، «شارستان» و «حومه» بوده که با رعایت ترتیب اهمیت ساکنان و متولیان آن در شهر مکان‌یابی می‌شدند. کهندژ، محل سکونت پادشاه، حکام و درباریان بوده و اغلب در بهترین نقطه شهر و در سطحی بالاتر از سایر نقاط قرار داشته و توسط دروازه به خارج متصل می‌شده است. این بخش نظامی خودکفا داشته و از برج و بارو و خندق برای حفاظت ساکنانش برخوردار بوده است. بخش دوم شهر یا شارستان، در دوره‌های مختلف شاهنشاهی چهره متفاوت داشته و محل سکونت دبیران، مغان، روحانیون، کسبه و شهروندان و دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بوده است. در حومه اغلب شهرها و روستاها، سکونتگاه‌هایی برای کشاورزان و گاه پیشه‌وران احداث می‌شده که به سواد با حومه معروف بوده است. تأکید این سازمان بر تمایز عرصه‌های طبقات اجتماعی و شفافیت بخشیدن جدایی معنایی آن‌ها است. سازمان شهر به هر می‌ماند که عناصر تشکیل‌دهنده آن

برحسب رتبه و مقام به نحوی چیده شده‌اند که شهروندان به‌سادگی قادر به ادراک ساخت اجتماعی جامعه و جایگاه خود در روح جمعی شهر باشند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۶۸-۵۹).

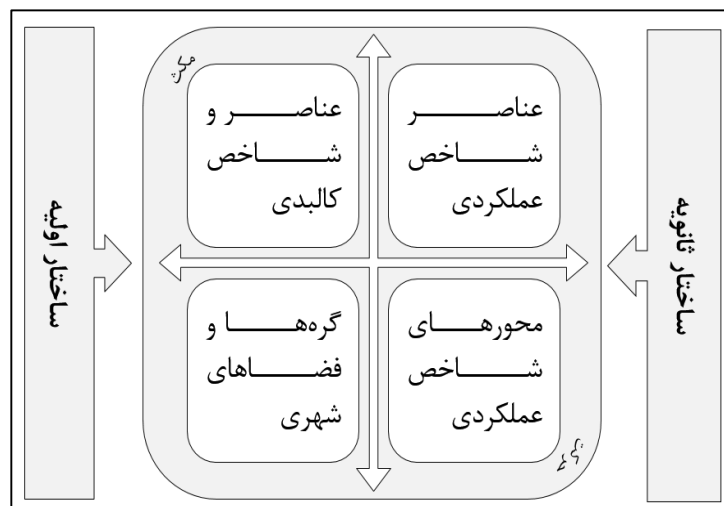
با ورود اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی کامل و فراگیر، کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی را متأثر شد و در نتیجه تغییرات سترگ دیگر شاخصه‌های شهری نیز که در ساخت سازمان فضایی شهرها مؤثرند، تحقق یافت (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). عناصر اصلی مجموعه شهری در شهرهای اسلامی دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به‌هم‌پیوسته بوده‌اند. به نظر محققین، شهرهای اسلامی دو مشخصه اصلی داشتند: یکی مسجد و دیگری بازار. همچنین این دو عنصر در کنار مرکز حکومت و فضاهای مسکونی ضمن آنکه هرکدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله‌مراتب فضاهای شهری حفظ می‌کنند و به ایفای نقش خود می‌پردازند، باهم مجموعه واحدی را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضا واحدی منسجم و به‌هم‌پیوسته نشان می‌دهد (دانشپور و شیرینی، ۱۳۹۴: ۲۰). بین قرن اول تا چهارم هجری سازمان شهری بر مبنای حکومت، مذهب، اصناف و امت شکل گرفت که هرکدام تبلور فضایی خود را داشتند، یعنی حکومت در ارگ، مذهب در مساجد و مدارس و زوایا و تکیه‌ها و خانقاه‌ها، اصناف در بازار و بازارچه‌ها و امت در محلات کالبدی جای می‌گرفتند. در دوره سامانیان سازمانی نوشکل می‌گیرد و ریش گسترش می‌یابد و بازار در حرکت خویش به‌سوی دروازه‌های شهر، محلات متفاوت را می‌آفریند. در اواخر قرن دوم هجری میدان‌های بزرگی ساخته می‌شود که در اطراف آن دیوان‌های مختلف، کاخ حکومتی، مسجد جامع و بازار برپا می‌گردد. در قرن پنجم و ششم هجری در حکومت سلجوقی کالبد شهر عبارت است از میدان اصلی و بزرگ در میانه شهر که در پیرامون آن کاخ‌ها، دیوان‌ها، مسجد جامع و گاه بیمارستان قرار دارد و گرداگرد این مجموعه محلات شهری شکل می‌گیرد. مدارس و مساجد هم درهای خود را به روی بازار یا گذرهای اصلی می‌گشاید. در قرن هفتم یا یازدهم هجری یعنی عصر پس از حمله مغولان، دوره فروپاشی شهر و نظام کالبدی است. ساخت شهر از دوره صفوی تا زمان قاجار بر مبنای مکتب

فضاهای شهری می‌باشد. به‌طور خاص مراسم عزاداری محرم و صفر در رابطه با ساختار شهر سنتی ایرانی دارای اهمیت ویژه‌ای است. این ساختار ثانویه از پیوند میان مکان‌ها از طریق مسیرهایی به وجود آمده است. مکان‌های این ساختار، محله‌های برگزاری بخش‌های مختلف آیین‌های ماه محرم است و تکیه‌ها، حسینیه‌ها، مساجد، امامزاده‌ها، عناصر مذهبی دیگر، خانه‌های مردم که وقف مراسم محرم مثل چهل‌منبر و غیره شده‌اند را شامل می‌شود. مسیرها، معابری است که این مکان‌ها را به هم متصل می‌سازد و در مراسم ماه محرم توسط عزاداران طی می‌شود. چنین مسیرهایی در ارتباط با فضاهای مهم و هویت‌بخش شهرها که عواملی مانند حس تعلق به مکان، وحدت اجتماعی، هویت و تداوم خاطر جمع‌ی سبب بقا و احیا آن‌ها شده است پدید آمده‌اند. برخی از مکان‌های سازنده این ساختار با مکان‌های ساختار اصلی مشترک و برخی متفاوت‌اند (اهری، ۱۳۹۴: ۲۷؛ شیعه، ۱۳۹۲: ۱۱۷). به‌طور کلی می‌توان بیان نمود که با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف در زمینه ساختار شهری، مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به ساختار اولیه و ثانویه در قالب عناصر شاخص و محورهای شاخص می‌باشد که هریک از آن‌ها می‌توانند به‌صورت عناصر شاخص عملکردی، کالبدی، گره‌ها و فضاهای شهری، خیابان‌ها و محورهای عملکردی باشند (تصویر ۲).

اصفهان است. در مکتب اصفهان مجموعه زیستی دارای یک میدان یا مرکز ثقل می‌شود و عناصر اصلی حکومتی، دیوانی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی در کنار آن جای می‌گیرد. اواخر قرن یازدهم هجری و دوره ایلغار افغان، نقطه پایانی بر حیات شهری است. در دوره قاجار و عمدتاً در تهران برای اولین بار خیابان با الگوی فرهنگ اروپا به‌خصوص فرانسه عصر صنعت، مفهومی جدید به‌عنوان مکان تجارت و بازرگانی می‌یابد. در دوره پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۹۹ ش با دگرگونی‌های فرهنگی در راستای توسعه برون‌زا - مبنی بر مکتب نوگرایی و الگوی رفتاری بیگانه- شهر به‌عنوان تبلور فضایی- کالبدی این دگرگونی، ارزش‌های کهن و پایدار سازمان فضایی خویش را به دور می‌افکنند و تغییرات عمده عینی و مادی در کالبد آن رخ می‌دهد (حبیبی، ۱۳۸۷).

بررسی ساخت و ساختار ثانویه در شهرهای ایرانی اسلامی

اهری، در بررسی مطالعات محققان در مورد شهرهای ایرانی، ساختار ثانویه را افزون بر ساختار اصلی معرفی می‌کند که پیشینه آن به دوره قاجاریه بازمی‌گردد. این ساختار به‌ویژه بر اساس مراسم آیینی ماه محرم به‌عنوان «مهم‌ترین رویداد اجتماعی» که در شهر دوره قاجار برگزار می‌شد، به وجود آمده است. شیعه و همکاران در پژوهش خود نیز نشان دادند که مراسم و مناسک آیینی و مذهبی از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری سازمان فضایی شهر و پایداری و ماندگاری



تصویر ۲: عناصر شکل‌دهنده به ساختار اولیه و ثانویه شهرهای تاریخی (مأخذ: نگارندگان)

شهر کاشمر

معرفی و وجه تسمیه

کاشمر که یکی از شهرستان‌های خراسان رضوی است، از شمال به نیشابور و سبزوار، از مشرق به تربت‌حیدریه، از جنوب به مه ولات و از مغرب به خلیل‌آباد و بردسکن متصل می‌شود. این شهر از کهن‌ترین شهرهای ایران است و از گذشته‌های دور تاکنون به سبب پذیرا بودن تاریخی پرفرازو نشیب نام‌های بسیاری داشته است تا آنکه در زمان رضاشاه کاشمر نامیده شد. دیدگاه‌های مختلفی برای وجه تسمیه آن وجود دارد. گفته می‌شود در بررسی نام این شهر بیش از ۲۰ نام وجود داشته که می‌توان به واژگان کاشمر، کشمر، کشمیر، ترشیز، بست، بُشت، طریشیت، کاشغر و سلطان‌آباد اشاره کرد (خسروی، ۱۳۷۲: ۲). گروهی در ریشه‌یابی لغوی کاشمر آن را برگرفته از واژه «کش» به معنای آغوش مادر دانسته و گروهی دیگر به واژه کاج آن را نسبت می‌دهند. کاج یادآور سرو مقدس معروفی می‌باشد که گویا به دست زرتشت، پیام‌آور بزرگ ایرانی در آنجا کاشته شده است. در ناحیه ترشیز به سبب ملاقات میان گشتاسب کیانی و زرتشت نبی و پذیرش دین بهی از جانب شاه، زرتشت نخستین آتشگاه خود را در قلمرو کیانی برپا ساخت و در جلو آن سروی را نیز با دست خویش کاشت تا همین سرو را بر ایمان شاه گواه بگیرد و (افشارسیستانی، ۱۳۷۸: ۳۰۷؛ خسروی، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۵). در فرهنگ دهخدا نیز از واژه کاجغر با دلالت بر کاج یا همان سرو معروف، واژه‌های کاجخر و کاخر به معنای کاج بزرگ و درنهایت کاشمر یاد شده است زیرا که کاش مبدل کاج است. در ادبیات و متون فارسی نیز واژه کاشمر و یا کشمر در شعر شاعرانی همچون فردوسی، بهار، انوری و بیدل با اشاره به سرو کشمیری کهن ظاهر شده است. در نثر فارسی از کشمر به‌عنوان ولایتی بزرگ، زیبا و پربرکت یاد شده است (یاقوت حموی).

«کنون هرک این پند من بشنوید

پیاده سوی سرو کشمر روید»

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۳/۳۸۰)

محدوده ترشیز توسط سیاحان، سفرنامه نویسان و کاشفان اروپایی نظیر «فورستر»، «سایکس»، «ون نیدر مایر» مورد توجه قرار گرفت. در این ارتباط سایکس در راه نیشابور به

ترشیز (کاشمر)، آثار عتیقی مشاهده کرد که تا حال از نظر دقیق کاشفان اروپایی مخفی مانده بود، از آن جمله بقایای ترشیز قدیم با خرابه‌های یک برج مربوط به قرن دوازدهم و سیزدهم هجری را باید نام برد. سایکس همچنین اولین کسی است که از یک برج قدیمی واقع در کیشمر که از بانی آن هیچ اطلاعی به دست نیامده سخن‌سرایي نموده است (گابریل، ۱۳۴۸: ۳۲۸).

بررسی سیر تحولات ساختاری بافت تاریخی کاشمر

فرآیند شهر گرایی، شهرنشینی، شهرسازی ایران با توجه به منابع، به سه دوره عمده و کلی تقسیم می‌شود. دوره اول، سیر تحول شهر قبل از اسلام، حدوداً از قرن نهم قبل از میلاد آغاز شده و تا قرن هفتم میلادی ادامه می‌یابد. این دوره منطبق با شروع تمدن شهری ایرانی بوده و با حمله مسلمانان به ایران و فتح ایران به دست آنان پایان می‌پذیرد. دوره دوم، سیر تحول شهر بعد از اسلام است که با استقرار اولین حکومت‌های مستقل داخلی در ایران شروع شده و تا ۱۲۰۰ ق/ ۱۸۷۶ م، عصر صنعت و شروع سلسله قاجار ادامه می‌یابد. درنهایت، در دوره سوم، سیر تحول شهر در دوران معاصر دنبال می‌شود که این دوره با استقرار حکومت قاجار در ایران شروع و تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۹ م و پس از آن تاکنون ادامه می‌یابد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۶). به تبعیت از این تقسیم‌بندی فوق کاشمر در سه دوره اصلی و تاریخی مطرح شده، بررسی می‌شود.

قبل از اسلام

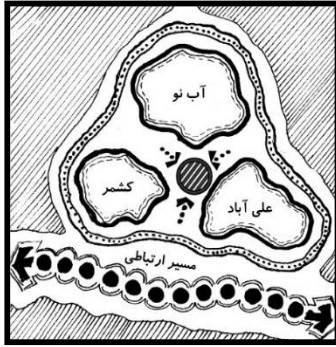
هسته قدیم کاشمر در غرب شهر کنونی در روستای کشمر امروزی بوده است که محل دقیق سرو مقدس زرتشت و آتشگاه وی بوده است (تصویر ۲). در کتاب دقیقی شاعر نام این آتشگاه آذربرزین مهر بوده است.

«نخست آذر مهر برزین نهاد

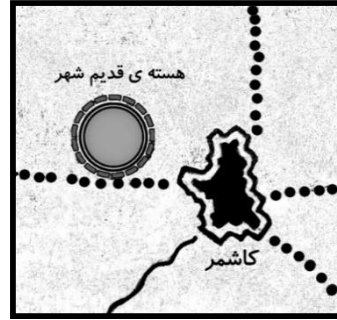
به کشمر نگر تا چه آیین نهاد»

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۳/۳۷۹)

همان‌طور که در تصویر شماره ۴ نشان داده شده است، این ناحیه از به هم پیوستن سه آبادی آب‌نو، علی‌آباد و کشمر در مجاورت مسیر ارتباطی به وجود آمده است (سعیدیان، ۱۳۷۹: ۶۸۸).



تصویر ۴: هسته قدیم شهر ترشیز (مأخذ: نگارندگان)

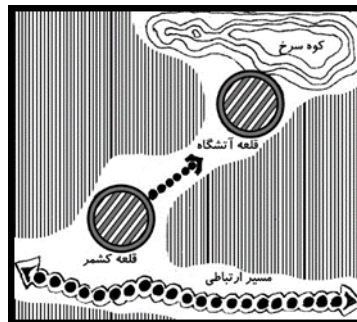


تصویر ۲: موقعیت هسته قدیم شهر نسبت به شهر امروزی (مأخذ: نگارندگان)

حضور آتشفشان و سرو که هر دو خاطره زرتشت نبی را زنده می‌ساختند، به‌طور طبیعی مورد توجه قرار گرفت (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۶).

ساسانیان: در کتیبه پایکی به نقل از افشار سیستانی آمده است که در زمان ساسانیان کشمیر جزو حدود خراسان حساب شده است. در این دوره، ساسانیان در احیای آیین باستان بیش از تمامی سلسله‌های شاهنشاهی کوشیدند و چون در آن زمان دیگر از آتشفشان کشمیر چیزی بر جای نمانده بوده، شاهان ساسانی به ایجاد آتشفشان دیگری دست می‌زدند. در تصویر ۵ مشاهده می‌شود که این آتشفشان در دامنه جنوبی کوه سرخ (کوه‌های واقع در شمال شهر امروزی) و کمی بالاتر از محل آتشفشان باستانی کشمیر واقع شده است (افشارسیستانی، ۱۳۷۸: ۳۰۸).

اشکانیان: شهرهای دروان اشکانی به لحاظ کالبدی، دارای نظم هندسی و قانون‌مندی خاصی بوده، خیابان‌های اصلی عمود بر هم و شکل شهر به‌صورت دایره‌ای بوده است. مراکز مهم حکومتی در مرکز شهر و فضاهای مسکونی در حلقه پیرامونی آن‌ها بوده است (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۱۱۰). دوران اشکانیان شهر کاشمر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. این امر هم به سبب موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در مسیر نیشابور- قهستان و هم به سبب آتشفشان کشمیر، سرو مقدس و جایگاه زرتشت در آن بوده است. در واقع، آیین مزدیسنا تا زمان حملات اسکندر در تمام قلمرو شاهنشاهی ایران رواج عام یافته بود، اما در جنگ‌های خطیر این سردار، آیین ایرانی زرتشتی به کساد و پراکندگی دچار شد و تا زمان حکمرایی جانشینان اسکندر (سلوکی‌ها) بر ایران وضع بدین گونه ادامه یافت. بلاش اشکانی ظاهراً نخستین بار دستور می‌دهد که اوستای پراکنده را جمع کنند و از این حیث، کشمیر به‌واسطه



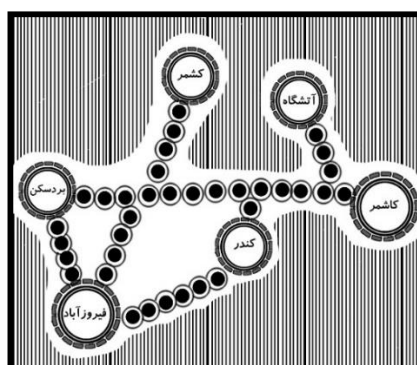
تصویر ۵: موقعیت قلعه‌ها و آتشفشان‌های ساسانی (نگارندگان اقتباس از افشار سیستانی، ۱۳۷۸)

کاشمر با ورود اسلام، قرن‌های آغازین اسلام و همچنین دوره اسماعیلیان، خوارزمشاهیان، تیموریان و صفویان صورت می‌گیرد.

دوره ورود اسلام تا دوران قاجار
این دوره با استقرار اولین حکومت‌های مستقل داخلی در ایران شروع شده و تا ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م، یعنی شروع سلسله قاجار ادامه می‌یابد. در این قسمت، تحلیل تاریخی شهر

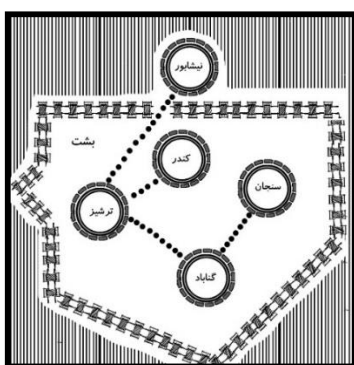
ورود اسلام: بشت (کشمیر) در ۳۱ ق، به همراه بیشتر شهرهای خراسان توسط مسلمانان فتح شد. پیروان زرتشت که حاضر به پذیرش دین نو نبودند، این نواحی را ترک نمودند. گروه‌های بی‌شماری از زرتشتیان خراسان، با گذشتن از دریای عمان به بندر بمبئی در هند رفتند. در این میان، جابه‌جایی‌هایی در محل شهر صورت گرفت (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۷).

در تصویر ۶ کندر و کشمر و فیروزآباد هر سه در قسمت‌های غربی شهر فعلی قرار دارند اما در تصویر ۷ که از نقشه‌های موجود در سرزمین‌های خلافت شرقی بهره گرفته شده است و در آن موقعیت شهرهای قهستان نشان داده شده است،



تصویر ۶: موقعیت احتمالی هسته اولیه شهر در سرزمین قهستان (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۸)

ملاحظه می‌شود ترشیز در جنوب غربی کندر قرار گرفته است، جایی که اکنون تقریباً روستای فیروزآباد در همان‌جا واقع شده است (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۹). بررسی و تحلیل نقشه‌ها نشان می‌دهد که در طول تاریخ، جابجایی‌هایی در مرکزیت شهر وجود داشته است. نقاط احتمالی مرکزیت شهر به صورت زیر می‌باشد: ۱. محل فعلی شهر که در ۲۰ کیلومتری شرق کندر قرار دارد. ۲. محلی که مرکزیت باستانی را داشته است. واقع در محل فعلی روستای کشمر که در فاصله چند کیلومتری شمال غرب روستای کندر می‌باشد. ۳. روستای فیروزآباد در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی روستای کندر (سعیدیان، ۱۳۷۹: ۶۸۸).



تصویر ۷: موقعیت احتمالی هسته اولیه شهر در سرزمین

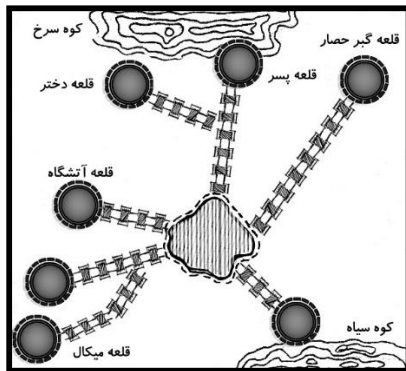
بست (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۸)

در میعادگاه صلح و دوستی بود، به فرمان متوکل خلیفه عباسی انداختند و آن را قطعه‌قطعه کرده تا به ساختمان قصر جدید خلیفه در سامره ببرند. زرتشت گفته بود که هرکس دستور به قطع این سرو و سرو دیگری در فریومد بدهد بلافاصله خواهد مرد. اعتراض و خواهش زرتشتیان در جلوگیری از این عمل فایده نداشت و هنگامی که سرو به کنار رود دجله رسیده، پادشاه کشته شده بود (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲۷).

اسماعیلیان: در ۵۲۰ ق، وزیر سلطان سنجر سلجوقی ترشیز را محاصره و غارت کرد و از آن پس شهر یکی از بلاد اسماعیلیه گردید و رئیس اسماعیلیه بر نقاط مهمی در اطراف ترشیز استیلا یافت و در آنجا چندین قلعه برای تسلط بر نواحی مختلف قهستان بنا کرد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲۷). حسن صباح هنگامی که خود در ۴۸۳ ق در الموت استقرار یافت،

قرون اولیه اسلامی: در قرن‌های آغازین اسلامی در سرزمین قهستان در شمال شرق کشور، ولایت پشت قرار داشته است که شهرهای عمده‌اش ترشیز و کندر بود. در ولایت پشت هفت شهر دیگر وجود داشته که هرکدام دارای مسجد جامع بوده‌اند، اما مسجد جامع ترشیز بسیار مشهور و زیبا بوده است. مقدسی مسجد جامع ترشیز را چنین وصف کرده: «جز مسجد دمشق مسجدی از آن بهتر نباشد و جلو آن حوضی مدور قرار دارد» (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۲). ترشیز دارای هفت محله بود که هر محله مسجدی داشت (تصویر ۸). این شهر علاوه بر دکان‌های کهن، بازارهای فعالی داشت که به‌عنوان انبار خراسان محسوب می‌شد و کالاهای تجاری از طریق این مسیر تجاری و راه ارتباطی به فارس و سپس به اصفهان منتقل می‌شد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲۷). در همین دوران، در سال هجری ۲۴۷، سرو کاشمر را که یادبود مقدس

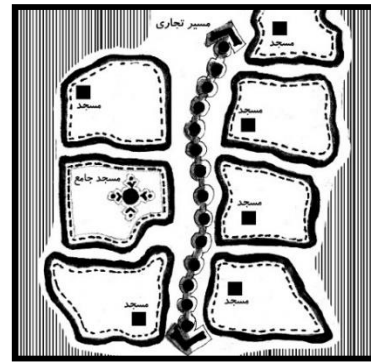
شود که یکی از قلعه‌های استراتژیک اسماعیلیه بر روی آثار باقی‌مانده از آتشکده‌های زرتشتی بنا شده بود (خسروی، ۱۳۷۲: ۳۸-۳۵). در تصویر ۹ موقعیت قلعه‌های اسماعیلیان نسبت به شهر ترشیز مشخص شده است. البته لازم به ذکر است که برخی از این قلعه‌ها سابقه و قدمتی بیش از اسماعیلیه دارند. مثلاً قلعه میکال یا میکالی از قلاع بسیار کهن خراسان است، چنانکه پس از شکست سلطان مسعود غزنوی از سلجوقیان، به دستور او اموال و ذخایریش در نیشابور را به قلعه میکالی بست فرستادند و در آن جا پنهان ساختند (خسروی، ۱۳۷۲: ۳۸-۳۵).



تصویر ۹: موقعیت قلعه‌های اسماعیلیان نسبت به شهر ترشیز (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)

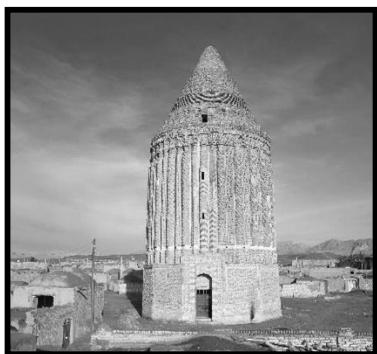
ترشیز به علت داشتن بارویی بسیار بلند، قلعه‌ای غیرقابل تسخیر به حساب می‌آمد، اما امیر تیمور گورکان شهر را تصرف و باروی آن را ویران کرد و شهر تبدیل به خرابه‌هایی شد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲۸). در زمان تیموریان، تپه‌ای در روستای علی‌آباد به نام تپه کوچ بود که دارای کانالی برای جلوگیری از حمله به قلعه بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۰۴). در دوران ایلخانان برای تسکین مردم به خاطر از دست دادن سرو کهن، برج و منار علی‌آباد کاشمر بنا می‌شود. بنایی که بر روی قلعه‌ای به نام کوشک ساخته شد و معماری آن آجری به شیوه برج رادکان می‌باشد (مشکوتی، ۱۳۴۵: ۹۱).

دستیار معروف خود حسین قاینی را که از پیش حکومت قهستان و ترشیز را داشت به‌عنوان داعی به ترشیز اعزام کرد. قلعه‌های مشهور به قلعه دختر و قلعه ملاحده در سرتاسر قهستان مرتبط با همین دوران می‌باشد و قلعه‌هایی به نام‌های میکال، بردارود، مجاهد‌آباد و آتشگاه تا نیمه‌های قرن هشتم در سرزمین ترشیز شهرت داشته‌اند. جز این‌ها، قلعه‌های بسیاری در قتل رفیع کوه‌سیاه و کوه‌سرخ وجود داشت که غالباً از آن‌ها به نام قلعه دختر نام‌برده می‌شد. هم‌اکنون از شمال شهر کاشمر تا روستای درونه قلعه‌های بلندی وجود دارد که بر فراز آن‌ها آثار قلاع تاریخی دیده می‌

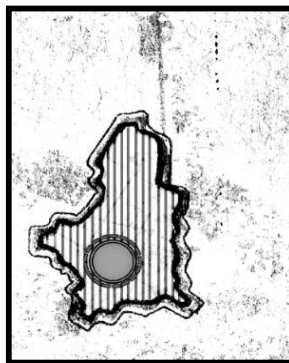


تصویر ۸: شهر در قرن‌های اولیه اسلامی (نگارندگان اقتباس از حقیقت، ۱۳۷۶)

خوارزمشاهیان تا تیموریان: در زمان خوارزمشاهیان، محمد، پسر سلطان علاء‌الدین تکش خوارزمشاه، برای سرکوب اسماعیلیان به قهستان آمد و ترشیز را محاصره کرد. در این زمان شهر دارای حصاری محکم و خندق بوده است. در اواسط قرن هفتم نیز، هلاکوخان به دفع اسماعیلیان ساکن در ترشیز پرداخت و از آن پس ترشیز دوباره روی به آبادی نهاد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲۸). پس از حمله مغول، مردم کاشمر به ناحیه‌ای که امروزه به قریه سلطانیه معروف است، مهاجرت کردند (تصویر ۱۰). شهر در آن زمان با نیشابور، طوس، یزد و اصفهان و کرمان راه داشت. در پایان قرن هشتم هجری،



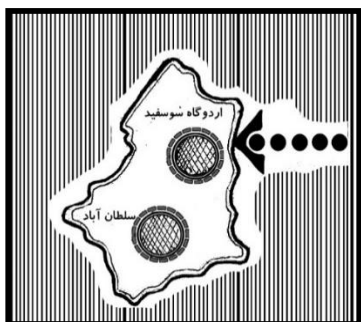
تصویر ۱۱: برج علی‌آباد کاشمر (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی)



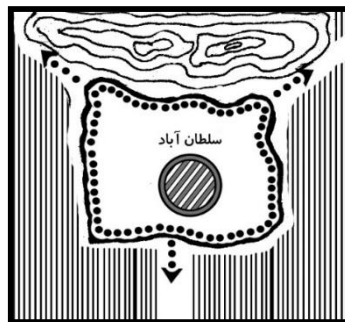
تصویر ۱۰: موقعیت سلطانیه نسبت به شهر امروزی (مأخذ: نگارندگان)

داشتند» (گابریل، ۱۳۴۸: ۱۸۰). علیقلی خان، حاکم وقت در زمان صفویان در محل سوسفید برای احضار حکام خراسان اردوگاهی زد. این اردوگاه همان مکانی است که اکنون بقعه و بارگاه حضرت حمزه بن موسی در اراضی آن بنا شده است. به عبارتی محل فعلی شهر کاشمر که در تصویر ۱۳ مشاهده می‌شود، همان سوسفید قدیم است (خسروی، ۱۳۷۲: ۵۸).

صفویان: در قرن دهم، ترشیز به تمام بلوکی اطلاق می‌شد که پشت‌کوه‌هایی بودند و از طرف جنوب محدود به جلگه نیشابور بود (تصویر ۱۲) و خود شهر گاه به همان اسم ترشیز و گاه بانام سلطان‌آباد ذکر می‌شد (خسروی، ۱۳۷۲: ۵۶). فورستر در سفر به ایران در شرح ترشیز ذکر نموده بود که «از یک سلطان‌آباد قدیم و یک قسمت جدید تشکیل شده بود و تقریباً صد خانواده هندو در محله مخصوصی از آن سکنی



تصویر ۱۳: موقعیت اردوگاه سوسفید در شهر امروزی (مأخذ: نگارندگان)

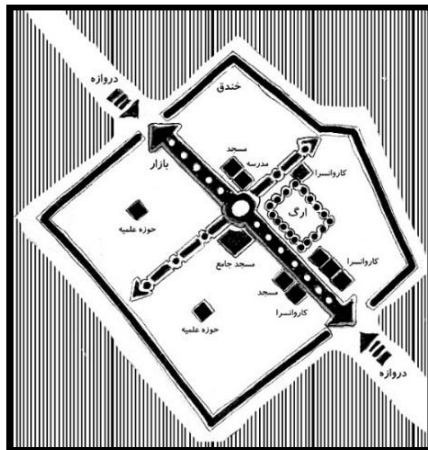


تصویر ۱۲: بلوک ترشیز در روزگار صفویان (مأخذ: نگارندگان)

آن کشیده شد. بازار همچنان در مسیر تربت سبزوار میان دو دروازه شهر بوده و مسجد جامع نیز در قلب آن جای داشته و در شهر عناصر مهمی از جمله مساجد و مدارس علمیه و کاروانسراها واقع شده بودند. محور اصلی بازار شهر کاشمر در تصویر ۱۶ مشخص شده و نشان می‌دهد که این محور شرقی-غربی باعث جدا شدن ارگ حکومتی و محلات اعیان‌نشین در شمال، با محلات مسکونی مردم عادی در جنوب شده بود.

دوران معاصر

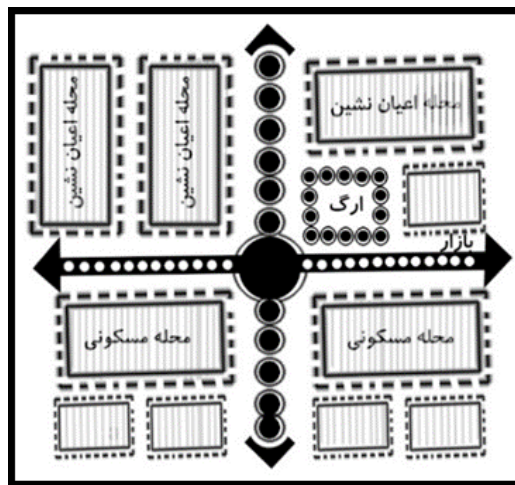
قاجار: هسته اصلی شهر در زمان فتحعلی‌شاه در محلی معروف به «شهرکهنه» بوده و شهر بارو و خندق داشت. چهارگوشه آن نیز چهار برج بوده (تصویر ۱۴) و در گوشه شمال شرقی آن قبرستان شهر قرار داشته است. تصویر ۱۵ استخوان‌بندی شهر را در زمان قاجار نشان می‌دهد. ارگ حکومتی به دستور مصطفی قلی‌خان حاکم شهر در این دوران، در قسمت شمال شهر ساخته و حصاری نیز به دور



تصویر ۱۵: استخوان‌بندی شهر ترشیز در زمان قاجار
(مأخذ: نگارندگان)



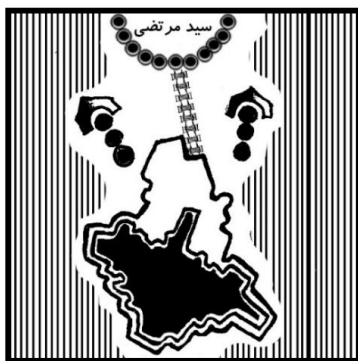
تصویر ۱۴: عکس هوایی شهر در زمان قاجار
(مأخذ: وزارت راه و شهرسازی خراسان رضوی)



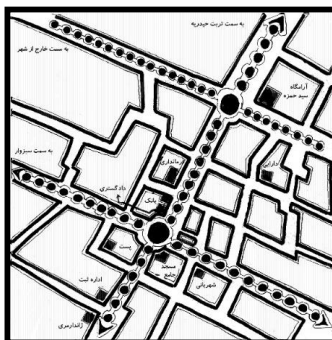
تصویر ۱۶: شکل‌گیری محلات مسکونی و اعیان‌نشین شهر در زمان قاجار
(مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین)

مسجد، مدرسه و ارگ حکومتی و کاروانسرا به‌عنوان عناصر اصلی دوران قاجار جای خود را به پست، بانک، شهربانی، دارایی، فرمانداری، دادگستری می‌دهد (تصویر ۱۸) و شهر از همه طرف توسعه پیدا می‌کند، اما جهت اصلی توسعه شهر به سمت شمال بوده و شهر از طریق محوری مستقیم با اراضی وقفی سید مرتضی مرتبط می‌شود (تصویر ۱۹). در زمان پهلوی، شهر ترشیز، به تصویب مجلس شورای ملی به کاشمر تغییر نام داد (خسروی، ۱۳۷۲: ۹۷).

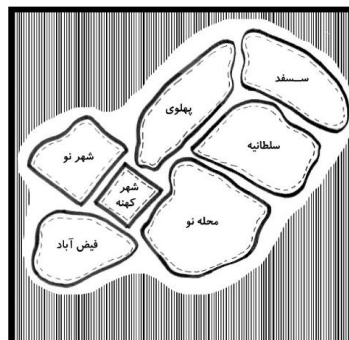
پهلوی: هسته اصلی شهر در محل میدان انقلاب (مرکزی امروزی) واقع بوده و پس از متراکم شدن این ناحیه، شهر جدید در قسمت شمال غربی آن به وجود آمد. حصار دیگری در اطراف شهر کشیده شد و دروازه شهر در محل تلاقی خیابان فیض‌آباد فعلی با حصار بوده است. خیابان شمالی-جنوبی بانام پهلوی عمود بر مسیر بازار شهر در دوران قاجار شکل می‌گیرد. پس از خراب شدن حصار، شهر در حدود محله نو و محله فیض‌آباد گسترش می‌یابد (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۹: جهت توسعه شهر در زمان پهلوی (مأخذ: نگارندگان)

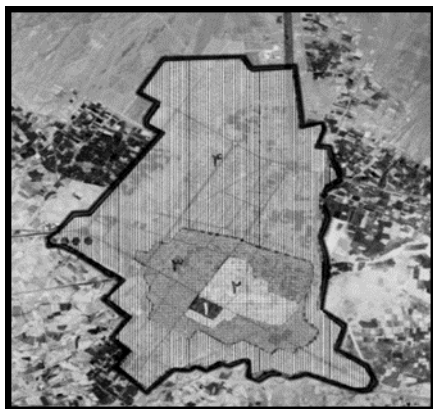


تصویر ۱۸: استخوان بندی و شکل شهر در زمان پهلوی (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)



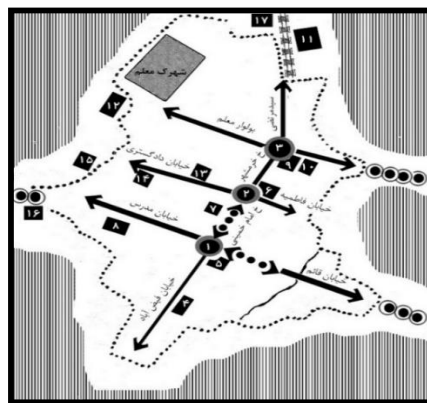
تصویر ۱۷: محله بندی شهر در دوران پهلوی (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)

پیدا کرده است. ۴. بخش جدید شهر و توسعه‌های بعد از طرح جامع مصوب ۱۳۶۱ است که بیشتر در سمت غرب و شمال غرب انجام گرفته‌اند. شکل شماره ۲۰، استخوان بندی شهر را در دوران انقلاب اسلامی و پس از پهلوی نشان می‌دهد، خیابان‌های جدید در جهت توسعه شهر کشیده شده و ساختمان‌های اداری متعددی در نقاط مختلف شهر شکل گرفتند. اراضی شمالی سید مرتضی با محوری مستقیم به شهر متصل شد و شهر روز به روز بزرگ‌تر شد. همان‌طور که در تصویر ۲۱ مشاهده می‌شود، بیشترین گسترش شهر در سال‌های بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ صورت گرفته است



تصویر ۲۰: مراحل توسعه شهر در دوران انقلاب اسلامی
۱. محدوده هسته اولیه شهر. ۲. محدوده بافت قدیم. ۳. توسعه شهر بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵. ۴. توسعه شهر بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ (طرح تفصیلی شهر کاشمر، ۱۳۸۶)

انقلاب اسلامی: پس از انقلاب اسلامی شهر هم‌چنان در جهت شمال توسعه یافت و خیابان‌های بیشتری شکل گرفتند و ساختمان‌های جدیدتری مانند بیمارستان و ادارات ساخته شدند که بعدها به جرئی از عناصر استخوان بندی شهر بدل شدند. به‌طور کلی از نظر خصوصیات مشترک می‌توان چهار نوع بافت شهری در کاشمر تشخیص داد: ۱. بخش قدیمی‌تر، شامل شهر کهنه و شهر نو. ۲. توسعه‌های روستایی قدیم، شامل محلات سلطانیه و قریه فیض‌آباد. ۳. بخش‌های توسعه هسته اصلی شهر، شامل محله نو و محله فیض‌آباد که در جنوب شهر و میان قلعه و فیض‌آباد شکل



تصویر ۲۰: استخوان بندی شهر در دوران انقلاب اسلامی
۱. میدان مرکزی. ۲. میدان باغمزار. ۳. میدان شهربانی. ۴. بیمارستان. ۵. مسجد جامع. ۶. آرامگاه سید حمزه. ۷. پارک شهر. ۸. آرامگاه مدرس. ۹. شهربانی. ۱۰. اداره کشاورزی. ۱۱. دانشگاه. ۱۲. بیمارستان جدید. ۱۳. دادگستری. ۱۴. اداره ثبت و احوال. ۱۵. تامين اجتماعي. ۱۶. ترمینال مسافربری. ۱۷. سیدمرتضی (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)

خدماتی در دو مسیر تداخل نموده با گذشت زمان و رشد شهر این عناصر نیز توسعه و رشد نموده‌اند. میدان انقلاب به خاطر قرار گرفتن در تقاطع محورهای اصلی شهر از هویتی قوی برخوردار شده و هنوز این قوت به صورت فعال باقی مانده است. برخی از فضاهای شهری از جمله باغ‌مزار، سید مرتضی، آرامگاه مدرس در شهر کاشمر در ارتباط با مرکز شهر هستند (تصویر ۲۲).

در این زمان اصلی‌ترین محورهای عملکردی و اصلی‌ترین عناصر شاخص هویتی در حوزه مرکزی و واقع در بافت تاریخی شهر کاشمر هستند. هسته اولیه و مرکز شهر کاشمر محل تقاطع دو محور شرقی-غربی و شمالی-جنوبی، میدان انقلاب می‌باشد و همچون مراکز قدیمی شهرهای تاریخی ایران عناصر کالبدی آن عبارت‌اند از: مسجد جامع، مدرسه علمیه، بازار، کاروانسرا و ... توسعه این مرکز شهر به صورت پیوسته و نسبت به محوری خطی بوده است و عناصر



تصویر ۲۱: فضاهای شهری در کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

هم‌اکنون تنها بخش کوچکی از آن باقی مانده است (تصویر ۲۲). بازار کاشمر به‌عنوان کانون معاملات اقتصادی و تعاملات اجتماعی-فرهنگی از عناصر اصلی شهر بوده است اما هم‌اکنون بازار شهر کاشمر، نقش و کارکرد تاریخی خود را ایفا نمی‌کند و بسیاری از عملکردهای آن متروک مانده است.

میدان مرکزی، میدان اصلی واقع در مرکز شهر و تقاطع خیابان‌های فعال شهری (قائم، مدرس، امام خمینی و هفده شهریور) با کاربری عمده تجاری می‌باشد که در گذشته محل تقاطع راسته‌های اصلی بازار و چهارسوق بوده است. بازار شهر کاشمر در گذشته سرپوشیده بوده است که بر اثر خیابان‌کشی جدید (قائم) بخش‌هایی از آن تخریب شده و



تصویر ۲۲: بازار قدیم شهر کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

ساخته شده است و این بنا در ضلع جنوب شرقی میدان واقع شده و فضایی برای روابط فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در مرکز شهر می‌باشد. ورودی مسجد جامع (تصویر ۲۴) به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر مرکز شهر شاخص و خوانا

مسجد جامع دقیقاً در قلب و مرکز شهر قرار یافته است و این گویای اهمیت آن برای اهالی بوده است، اما این استقرار مرکزی، نشانه‌ای تأثیرگذار بر هویت شهری است. مسجد جامع شهر کاشمر در ۱۲۱۲ق و اوایل عمر فتحعلی شاه قاجار

بوده و نفوذپذیری بصری و کالبدی مناسبی دارد. یکی دیگر از عناصر هویتی شهر کاشمر، مدرسه و حوزه علمیه حاج سلطان‌العلما (تصویر ۲۵) است که در بافت تاریخی در نزدیک میدان مرکزی به‌عنوان فضایی نیمه عمومی تلقی شده است. این مجموعه عملکردی به‌واسطه موقعیت قرارگیری و

عنصر شاخص بادگیر آن در تصویر ذهنی از شهر جایگاه ویژه‌ای داراست. از دیگر عناصر متمایزکننده میدان مرکزی شهر، کاروانسرا امین‌التجار (تصویر ۲۶) بوده که به‌عنوان یک نشانه شهری و فضای عمومی می‌باشد.



تصویر ۲۵: کاروانسرای امین‌التجار
(مأخذ: نگارندگان)



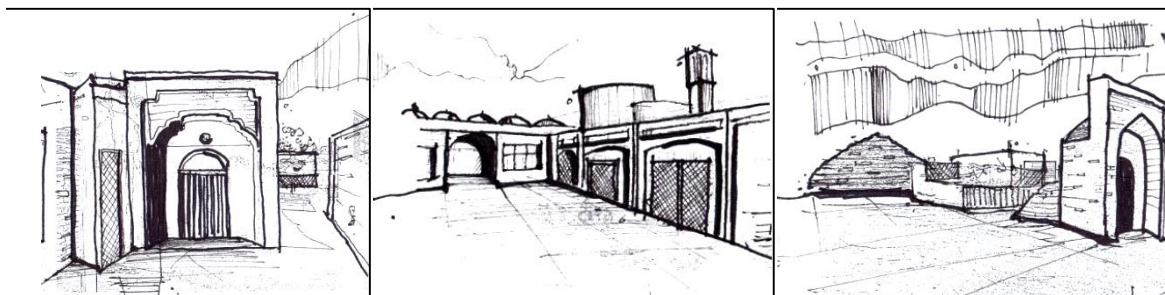
تصویر ۲۴: حوزه علمیه حاج سلطان‌العلما
(مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲۲: مسجد جامع کاشمر
(مأخذ: نگارندگان)

یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده ساختار شهری، میدانچه شهری و فضاهای باز عملکردی است. در شهر کاشمر، این فضاها در مجاورت عناصر تاریخی شهر شکل‌گرفته است. ازجمله مهم‌ترین این فضاها می‌توان به فضای باز مجاور

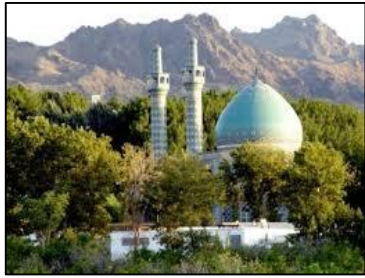
یخدان قدیم شهر مربوط به اواخر دوران قاجار و فضای کنار رباط قدیمی شهر اشاره نمود. همچنین، برخی از میدانچه‌ها نیز به‌صورت محلی درون بافت مسکونی واقع شده‌اند (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۶: یخدان، رباط قدیم و میدانچه محلی در مرکز شهر کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

در شهر کاشمر، افزون بر موارد ذکر شده در ساختار اصلی، عمده‌ای از عناصر شاخص عملکردی در خارج از محدوده بافت تاریخی شهر واقع شده‌اند. با این وجود، به دلیل ارتباط نزدیک کارکردی با بافت مرکزی و اهمیت این عناصر در دوره‌های مختلف تاریخی بررسی آن‌ها حائز اهمیت ویژه است. ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آرامگاه سیدمرتضی

و کریدور سبز بصری متصل به آن، آرامگاه مدرس و باغ‌مزار سید حمزه اشاره کرد. امامزاده سید مرتضی واقع در شمال شهر با سابقه تاریخی صفویه از طریق کریدور سبز شهری (تصویر ۲۸) به مرکز شهر متصل شده و در حال حاضر به‌عنوان فضای تفریحی، توریستی عمل می‌کند.



تصویر ۲۷: امامزاده سید مرتضی کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

باغات ایرانی شناخته شده است که در شمال شهر بر سکویی بالاتر از سطح شهر واقع شده است. این مجموعه به واسطه اهمیت مذهبی، قرارگیری آرامگاه سید حمزه از نوادگان موسی بن جعفر^(ع)، فرم کالبدی شاخص و کاریست اصول باغ ایرانی متمایز گشته است.



آرامگاه مدرس نیز در جنوب غربی شهر واقع شده و به کمک خیابان مدرس با مرکز ارتباط دارد (تصویر ۲۹). قدمت این بنا مربوط به دوران معاصر و همزمان با دوران پهلوی اول می باشد و صحن آن حضور گسترده مردم در مناسبت های مذهبی و ملی را فراهم آورده است. مجموعه باغمزار سید حمزه نیز با هسته تاریخی صفوی به عنوان یکی از زیباترین



تصویر ۲۹: باغمزار در کاشمر (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲۸: آرامگاه مدرس در کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

غرب شهر امروزی) رونق یافت و آنگاه پس از تخریب های مکرر، که آخرین آن به دست تیمور صورت گرفت، شهر ترشیز رها شد. ده ها سال بعد، مردم کاشمر به ناحیه ای که امروزه به محله سلطانیه معروف است، کوچ و در فاصله آن و قریه فیض آباد مستقر شدند. آن محل سلطان آباد نامیده شد. اینجا محلی است که امروزه به شهر کهنه معروف است. این محل استقرار به ترشیز معروف بود و بارو و خندق داشت. در زمان فتحعلی شاه قاجار، مردم شهر، ارگ حکومتی را در کنار باروری قدیم بنا کردند. حصار دیگری که پس از توسعه آن در سمت شمال غربی شهر آثار آن دیده شده نیز به آن زمان مربوط است که گرداگرد آن خندق احداث گردیده است. بازار شهر به طوری که در نقشه های قدیمی آمده است، در امتداد دو دروازه آن بوده و چهارسوقی در میان داشته است که تقریباً در میدان انقلاب امروزی قرار گرفته است. بازار با احداث خیابان مرکزی شهر در دوران پهلوی که با تغییر نام

نتیجه گیری

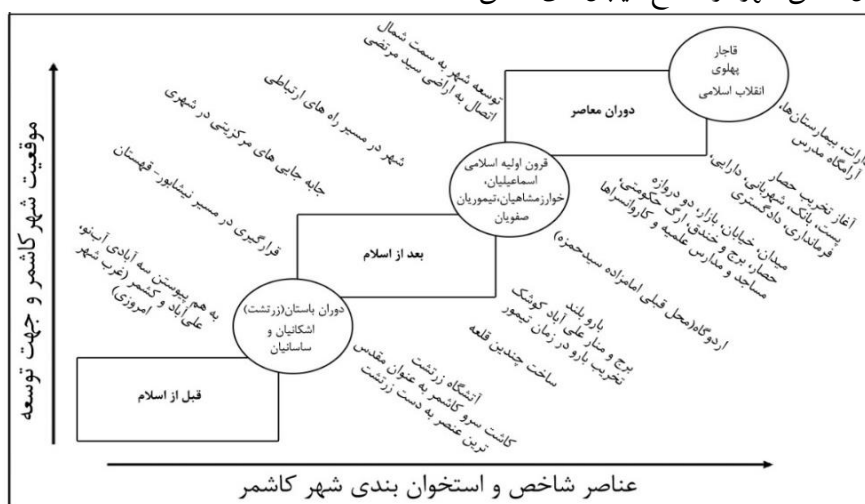
توجه به ساختار و هویت بافت های تاریخی، به ویژه در دوره شتابان شهرنشینی و گسست نظام تعاملی بین اجزا شهر، حائز اهمیت است، اما باهدف پاسخگویی به اقتضائات زمانه روند تغییرات سال های گذشته در این بافت ها عموماً فارغ از توجه به استخوان بندی شهر کهن و سازمان فضایی آن انجام شده است. تداوم این چنین رویکردهایی موجب از فراموشی هویت تاریخی و از دست رفتن تمایز و تشخیص بافت ها خواهد گردید و شهرها را به پدیده همگونی بیشتر نزدیک خواهد ساخت. در این پژوهش بافت تاریخی شهر کاشمر با سابقه استقرار اقوام پارت باهدف بررسی تحولات ساختاری و هویتی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، در ابتدا سیر تحولات ساختاری بافت تاریخی کاشمر در سه دوره اصلی و تاریخی (شهر قبل از اسلام، بعد از ظهور اسلام تا زمان قاجار و دوران معاصر) بررسی شد. ترشیز کهن در محدوده روستاهای فیروزآباد و عبدالآباد کنونی (در سمت

شهر به کاشمر همراه بوده است، تخریب شده و به کلی از میان رفته است.

شهر در دهه‌های اخیر از همه سمت به خصوص در جهت شمال توسعه یافته به نحوی که اراضی آستان سید مرتضی هم به شهر متصل شده است. در شکل ۳۱ تحولات ساختاری و عناصر شاخص و جهت توسعه به تفکیک هریک از دوره‌های تاریخی مشخص شده است. جدول ۱ نشان‌دهنده تأثیر و میزان سهمی که هریک از عناصر شاخص عملکردی، کالبدی، فضاهای شهری و محورهای شهری در دوره‌های مختلف تاریخ می‌باشد. همان‌طور که مشخص است در دوران باستان بیشترین وزن در ارتباط با عناصر شاخص عملکردی مثل آتشکده‌ها بوده است. سپس در قرون اولیه اسلامی محورها در شکل‌دهی به ساختار شهر تأثیرگذار می‌شوند. در دوران صفویه نیز مفهوم فضاهای شهری شکل‌گرفته که به‌عنوان بخشی از عناصر ساختاری نقش به‌سزایی دارند. در دروان معاصر نیز با توجه به نقش اتومبیل در زندگی شهری، محورها به‌ویژه خیابان‌ها بیشترین سهم را در شکل دادن به ساختار شهری دارند. شکل ۳۲ ساختار بافت تاریخی کاشمر با مطالعه و شناسایی عناصر اصلی آن اعم از نشانه‌های شهری و یادمانی، عناصر عملکردی ویژه، مسیرها، فضاهای شهری و همچنین ساختار ثانویه شامل مکان‌ها و مسیرهای برگزاری مراسم‌های آیینی را نشان می‌دهد. نتیجه حاصل بر این است که مرکز شهر مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از مسجد جامع، بازار، مدرسه علمیه، کاروانسرا و لبه‌های فعال تجاری بوده، میدان اصلی شهر در تقاطع خیابان‌های اصلی

و لبه‌های فعال تجاری واقع شده است. دسترسی مستقیم به مسجد جامع از طریق میدان اصلی شهر و خیابان اصلی فراهم بوده است.

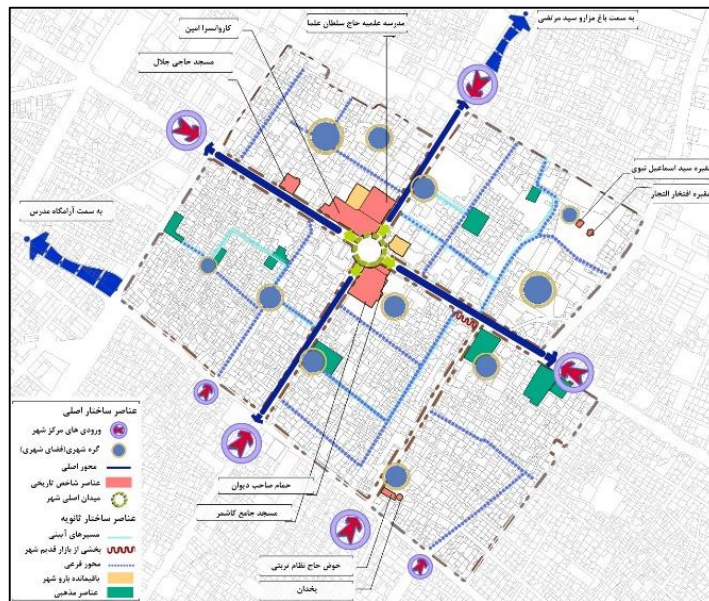
شناسایی دقیق این عناصر سازنده ساختار اصلی و تلاش برای حفظ پیوند و ارتباط این عناصر و همچنین توجه به نقش ساختار ثانویه می‌تواند به انسجام بخشی فضایی-کالبدی بافت و حفظ هویت تاریخی فرهنگی آن کمک نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود ساختار اصلی و ثانویه شهر مبنایی برای برنامه‌ریزی و طراحی برای توسعه‌های آتی و طرح‌های بازسازی و احیای مرکز شهر کاشمر باشد. بدین منظور مهم‌ترین پیشنهادها عبارت‌اند از: ۱. طراحی و ایجاد یک شبکه پیوسته میان عناصر شاخص در حوزه پیرامونی مرکز شهر (سید مرتضی، باغمزار و آرامگاه مدرس) با محدوده تاریخی مرکز شهر به‌منظور تقویت ساختار اصلی شهر. ۲. اتصال بخشی میان عناصر و گره‌های هویت بخش با ساماندهی مسیرهای اصلی در حوزه مرکزی به‌منظور تقویت ساختار اصلی بافت تاریخی. ۳. توجه به نقش ساختار ثانویه و اجزای آن نظیر مسیر دسته‌های عزاداری و مسیر حرکت پیاده در انسجام بخشی کالبدی عملکردی در بافت تاریخی. ۴. تقویت و احیای بازار تاریخی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر ساختار شهر. ۵. احیا محورهای و گذرهای فرعی بازار تاریخی. ۶. تقویت عناصر شاخص حوزه تاریخی به لحاظ کالبدی و عملکردی (مسجد جامع، کاروانسرای امین‌التجار، حوزه علمیه سلطانیه، رباط قدیم شهر، یخدان تاریخی)



تصویر ۲۰: عناصر شاخص و جهت توسعه شهر کاشمر در دوران مختلف تاریخی (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱: تحلیل سهم عناصر تأثیرگذار در ساختار و استخوان‌بندی شهر کاشمر در طول تاریخ (مأخذ: نگارندگان)

دوران معاصر		دوران بعد از اسلام		دوران قبل از اسلام
انقلاب اسلامی	پهلوی	قاجار	قرون اولیه اسلامی	دوران باستان- ساسانیان
عناصر شاخص کالبدی	عناصر شاخص عملکردی	محورهای عملکردی	فضاهای شهری	



تصویر ۳۱: عناصر هویتی در ساختار و بافت تاریخی کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

فهرست منابع

۱. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۸). *شناخت استان خراسان*. تهران: هیرومند.
۲. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۸۷). *پژوهشی در نام شهرهای ایران*. تهران: روزنه.
۳. اهری، زهرا. (۱۳۹۴). «شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه». *هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*. (شماره ۲۰)، ۲۳-۳۴.
۴. اهری، زهرا. (۱۳۹۵). «تأملی بر مفهوم ساختار و چگونگی شناسایی آن در شهر ایرانی پیش از دوران مدرن». *پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی*. (شماره ۲)، ۴۵-۶۹.
۵. ایراندوست، کیومرث؛ و آرمان بهمنی اورامانی. (۱۳۹۰). «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران، مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه». *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (شماره ۵)، ۵-۱۵.
۶. بذرگر، محمدرضا. (۱۳۸۲). *شهرسازی و ساخت اصلی شهر شیراز: کوشامهر*.
۷. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۴). *تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار*. تهران: آرمانشهر.
۸. حبیبی، محسن. (۱۳۸۷). *از سار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)*. تهران: دانشگاه تهران.
۹. حسینی، احمد. (۱۳۸۳). *تاریخ بردسکن با نگاهی ویژه به ترشیز قدیم*. سبزوار: امید مهر.
۱۰. حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۷۶). *فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران*. تهران: کومش.

۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۸۰). *معجم البلدان*.
 ج ۱. ترجمه علینقلی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۲. خالدیان، ستار؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهر ایران». *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (شماره ۱۷)، ۱۸-۵.
۱۳. حمیدی، ملیحه؛ و همکاران. (۱۳۷۶). *استخوانبندی شهر تهران*؛ جلد اول، بررسی مفاهیم و نمونه ها (ایران و جهان). تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.
۱۴. خسروی، محمدرضا. (۱۳۷۲). *تاریخ کاشمر*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۵. دانشپور، سیدعبدالهادی؛ و مریم روستا. (۱۳۹۱). «خوانش ساختار شهر؛ گامی به سوی شکل شناسی شهری». *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*. (شماره ۴)، ۵۴-۴۵.
۱۶. دانشپور، عبدالهادی؛ و الهام شیری. (۱۳۹۴). «عناصر کالبدی، کارکردی شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی». *نقش جهان*. (شماره ۵)، ۲۵-۱۷.
۱۷. رهنمایی، محمدتقی؛ و همکاران. (۱۳۸۶). «سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران». *جغرافیای ایران*. (شماره ۱۲)، ۴۳-۱۹.
۱۸. سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۷۹). *شناخت شهرهای ایران*. تهران: علم و زندگی.
۱۹. سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۲). *روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*. تهران: آگاه.
۲۰. سلطانی فرد، هادی؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی-اسلامی مطالعه موردی: شهر سبزوار». *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (شماره ۱۴)، ۲۱-۱۳.
۲۱. شیعه، اسماعیل؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی تعامل مراسم آیینی و ساخت شهر مشهد در طرح های توسعه شهری، نمونه موردی مراسم عزاداری ایام محرم و صفر در بافت قدیم مشهد». *پژوهش های معماری اسلامی*. (شماره ۱)، ۱۲۰-۱۰۳.
۲۲. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). *شاهنامه*. ویرایش فریدون جنیدی. ج ۳. تهران: بنیاد نیشابور، بلخ.
۲۳. گابریل، آلفونس. (۱۳۴۸). *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*. ترجمه فتحعلی خواجه نوری. تهران: اساطیر.
۲۴. لسترینج، گای. (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۵. مشکوتی، نصرت الله. (۱۳۴۵). *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۲۶. مهندسین مشاور معمار و شهرساز پلی اربانیک. (۱۳۶۱). *طرح جامع شهر کاشمر*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۷. مهندسین مشاور معمار و شهرساز زیست کاوش. (۱۳۸۶). *طرح تفصیلی شهر کاشمر*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.